

سوخوو-کابیلین

نمایشنامه نویسن بزرگ روس

آلکساندر واسیلیویچ سوخوو- کابیلین در ۱۷ سپتامبر ۱۷ در مسکو متولد و در ۱۱ مارس ۱۹۰۳ در بولیولورریویرا در فرانسه درگذشت. وی در یک خانواده اشرافی قدیمی با برصه وجود گذاشت و تعلیمات انگلی خوبی کسب نمود. در سال ۱۸۳۴ وارد شعبه فیزیک و ریاضی دانشکده فلسفه دانشگاه مسکو گردید و در سال ۱۸۳۸ دانشکده مذکور را به پایان برد. در سالهای دانشجویی به تأثر علاقمند بود و بهترین استادان تأثر مری را ستایش میکرد. پس از اتمام دانشگاه به خارج از کشور عزیمت نمود. در سالهای ۱۸۳۸ - ۱۸۴۲ در دانشگاه هایدلببرگ و دانشگاه برلن به سبیل فلسفه اشتغال داشت. در تمام دوره زندگی مجذوب فلسفه بود. آثار او را ترجمه میکرد و رساله های فلسفی مینوشت. دستخط های این ترجمه ها و به ها هنگام آتش سوزی در ملک نویسنده (کابیلینکا) در سال ۱۸۹۹ سوخت. ماه نوامبر سال ۱۸۵۰ سوخوو- کابیلین در مظان اتهام به قتل لوئیز - سید - دمانش بانوی فرانسوی که زن به ثبت رسیده او محسوب میشد، قرار گرفت. نویسنده طی ۷ سالی که تحت بازجوئی قرار داشت نادراحتی های زیارا متحمل گردید. در سال ۱۸۵۷ رعبای سوخوو - کابیلین را که در نت سیمون دمانش بودند و خود نویسنده را تبرئه نمودند و سوخوو- کابیلین ط به اظهار ندامت در کلیسا « بخاطر روابط عاشقانه اش » ، « بمنظور آن

SUKHOVO - KABILIN - ۱

۳ - ازدواجی که فقط در دفتر اسناد رسمی ثبت میشود بدون انجام مراسم.

پیام نویسن



سوخوو - کابیلین

وجدان « محکوم کردند. زنج و عذاب‌هایی که نویسنده در سازمانها و اداره‌های مختلف از مأمورین قرطاس باز متحمل گردید و بسر بردن در زندان مطالب زیاد و گرانبهایی برای تریلرژئی معروف وی تأمین نمود. محققین شوروی بسا انکاء بهمدارک و دلائل مستندی گناهی کامل سوخوو - کابیلین را به اثبات رساندند. مأمورین قضائی به امید دریافت رشوه از خانواده ثروتمند سوخوو - کابیلین پرونده‌ای علیه او سرهم کردند. سوخوو - کابیلین نوشته بود که از او ۵۰ هزار روبل رشوه مطالبه میگردند.

سوخوو - کایلین نگارش کمدی «عروسی کریچینسکی» را در سال ۱۸۵۲ شروع کرد و سال ۱۸۵۴ به پایان رساند. این نمایشنامه برای اولین بار فقط پس از مرگ نیکلای اول در ۲۸ نوامبر سال ۱۸۵۵ در «مالی تاتر» مسکو به روی صحنه آمد. سوخوو - کایلین قریب ۵ سال (از ۳۱ اوت سال ۱۸۵۶ تا آوریل سال ۱۸۶۱) برای نوشتن قسمت دوم تریلوژی یعنی «پروند: کار کرد اما اداره سانسور نمایش آنرا ممنوع کرد. نمایشنامه نویسی ۵ نسخه «پرونده» را در لیتویک بطبع رساند. آخرین قسمت تریلوژی کمدی - طنز آمیز، «مرگ تاراکین» در سال ۱۸۶۹ در مطبوعات منتشر گردید. در هملوق تریلوژی مورد بحث تحت عنوان «مناظری از گذشته» در مسکو به طبع رسید. نویسنده قریب ۵۰ سال با سانسور مبارزه کرد که نمایشنامه‌ها، خود را روی صحنه بیاورد ولی موفق نشد. سوخوو - کایلین خیلی دیر کب شهرت نمود. در سال ۱۹۰۲ بخاطر آثار ادبی برجسته خود بعنوان عضو افتخاری آکادمی برگزیده شد.

نویسنده از لحاظ سیاسی از پیروان لیبرالیسم اشرافی بود یعنی مدافع رشد و ترقی فرهنگی کشور بود ولی با تجدید سازمان انقلابی جامعه شدیداً مخالفت می‌ورزید.

نام سوخوو - کایلین در تاریخ ادبیات روس بعنوان شخصیتی که زندگی خود را وقف بوجود آوردن تریلوژی دراماتیک فوق‌العاده برجسته‌ای نمود ثبت شده است. در «عروسی کریچینسکی» معایب و فساد طبقه اشراف در دوران تل از فرم شدیداً مورد استهزاء قرارداد شده و حکومت اصول پدر سالاری منکس شده است. جالب اینست که قهرمان داستان میکوشد بوسیله ازدواج وضع مادی خود را ترمیم کند. نویسنده فاسد بودن کریچینسکی را که خود خواهی و دودویی او حد و حصری ندارد قاش و بر ملا می‌سازد. تنها کریچینسکی ماجراجو بلکه راسپلین، غارتگر، چاپلوس و متملق و همچنین آداب و رسوم جامعه اشراف و مأمورین زبیه استهزاء گرفته شده‌اند. مورد مسکی، در این نمایشنامه کمدی از نظر تکامل فکری و معنوی محدود بوده و فوق‌العاده سطحی فکر میکند ولی آدم پاک و ساده و درست است نویسنده در این کمدی با معرفی پرستارهای خود جالب‌ترین پدیده‌های طبیعت زندگی روسیه را نمایان می‌سازد. گرچه سوخوو - کایلین در نمایشنامه «عروسی کریچینسکی» نمودارهای انحطاط اخلاقی محیط ملاکان را ترسیم نموده، با احوال در مورد خانواده مورد مسکی وضع تاحدی بهتر از آنچه که واقعیت دارد، جلوه داده

شده است. در قسمت بعدی مناسبات متقابل آنها با دهقانان بصورت رنگ آمیزی شده‌ای نشان داده شده است. اوج موضوع در جریان نمایش و آنتریک ماهرانه و تنظیم بسیار عالی صحنه‌ها و کمپوزیسیون نمایشنامه است که موجب موفقیت این کم‌دی‌گردیده است.

سوخوو - کابیلین در نمایشنامه «پرونده» دستگاه استبدادی مأمورین دولت را بطور جسورانه تری رسوا میکند. نمایشنامه نویس نشان میدهد که چگونه دنیای بی‌روح مأمورین بی‌وجدان صرفاً با مستندگزارش غیرمستدل پلیس، مورومسکی را به «دام» می‌اندازد. نویسنده محیط پدیده‌های زندگی را بعین‌الامر قابل توجهی گسترش داده است. او سنگدلی و خشونت دستگاه بوروکراتیک را در شخصیت کنت متجلی می‌سازد. ولی واروین رشوه‌خوار در کنار او قرارداد و بر او تسلط دارد. حقایق را از او پنهان و او را منحرف میکند. تارلکین بیش از دیگر کارمندان به واروین نزدیک و با او هم‌دست است. وی برخلاف واروین رئیس خود پیرو این اصل است: «رشوه بگیر و کار را انجام بده». موضوع نمایشنامه - به استهزاء گرفتن «گروه انبوه مأمورین دستگاه بوروکراتیک اداری روسیه» است. وی میگوید: «من این نوکران را با شلاق مجازات کردم». در این نمایشنامه اختلاف فوق‌العاده حاد یعنی مبارزه بین «رؤسا» و «قدرتها» از یک طرف و «افراد حقیر یا افراد عادی» از طرف دیگر وسیعاً گسترش داده شده است. مورومسکی از شایستگی انسانی خود و حق خود بعنوان پدری که دخترش را دوست دارد دفاع میکند ولی ضمن برخورد با دستگاه خشن و سنگدل مأمورین، او بطور کلی از عدالت دفاع میکند. نویسنده از زبان مورومسکی بی‌عدالتی دستگاه عدالت را فاش می‌سازد. برخی تحریفات در تجسم سیمای ایوان سیدوروف دهقانی که فرمانبردار ارباب مهربان خود میباشد نیز ناشی از نوه‌مات طبقاتی نویسنده میباشد. در واقع موضع طبقاتی سوخوو - کابیلین نیز در این امر تأثیر بخشیده است. از یک طرف ایوان سیدوروف، دهقانی است که به ارباب خود وفادار میباشد و در دقایق سخت به او کمک و یاری میکند. او معرف حکمت ملی، تیزهوشی و کابری ملت روس است. نفرت دیرینه ملت نسبت به گروه انبوه کارمندان دستگاه بوروکراسی در وجود وی متجلی شده است. سیدوروف این جماعت را نه فقط دشمنان خود بلکه دشمنان دولت نیز میدانند. ولی از طرف دیگر، او مظهر فروتنی و اطاعت و فرمان برداری میباشد. گرچه بنظر میرسد که آن اوضاع و احوال میبایست او را برای مبارزه با بی‌عدالتی آماده ساخته باشد. سوخوو - کابیلین در حالیکه موارد جداگانه قانون شکنی را تا حد نتیجه‌گیری کلی گسترش میدهد، از جزئیات پرهیز میکند و پاره‌ای اوقات دنیای داخلی پرنسازها را در ابهام باقی میگذارد. او بطور نمایان مأمورین فاسد و رشوه‌گیر و غارتگر را ترسیم میکند.

ژبوتس‌ها، جیسیوف‌ها، ایسوف‌ها، هر تس‌ها، شرتس‌ها، شمرتس‌ها کزدنای
 دستگاه‌اداری بانرمتش خاصی قابل لمس میباشند. این اسامی که بطور خنداری
 از لحاظ شکل و صورت هماهنگ هستند مؤید این مطلب هستند که همه اعضا طبقه
 کارمندان ونه يك كراباس‌اند وعده آنها بسیار است. مخصوصاً تمثال ژبوتس -
 خدمتگذار حسود و طماع و گستاخ و وقیح، فوق‌العاده موقبت‌آمیز ترسیم شدت.
 خشونت و بی تفاوتی مطلق نسبت به سرنوشت افرادی که مسورد ظلم و ستم‌نوع
 شده‌اند از طرف کلیه اعضاء دستگاه اداری مملکت از «شخصیت مهم» که در بر
 آن «حتی نویسنده نیز سکوت اختیار میکند» گرفته تا کارمندان دون پایه، نال
 میشود. همه آنها با سفسطه بازی و بی‌اعتنائی مطلق، شخص در ستکار و شریف، قبان
 جنگ ۱۸۱۲ را خرد کردند و لگد مال نمودند. آنها با سرسختی حیرت‌انگیزی
 میکوشند ثروتی برای خود پندوزند. سیمای وادوین کریه و شوم است. او موردی
 را مانند یهودای گالاولیوف ۱ با وعده و وعید فریب داده و کاملاً غارت میکند. در
 لباس خدمتگذار صدیق عدالت «ریاکارانه خود را به مسخرگی زده، موردی
 را مجبور به دادن رشوه میکند و پس از گرفتن پول او را به رشوه دادن متهم
 که مورد مسکی دچار دیوانگی است. نقطه اوج نمایشنامه صحنه ایست از طرف
 مورد مسکی که نه فقط عذاب‌دهندگان خود بلکه دستگاه اداری قرطاس بازحکون
 استبدادی تزاری را با این جمله رسوا میسازد: «... اینجا... غارت میکنند...»
 با صدای بلند میگویم - غارت میکنند!!!»

مورد مسکی میمیرد ولی پیروزی معنوی بدون شك با اوست.

در نمایشنامه «پرونده» سیمای مورد مسکی ولیدیا و آتویوا و نلکین تم
 می‌باید، بستگی «پرونده» با قسمت اول تریلوژی «عروسی کریچینسکی نه قطار»
 تشابه پرسوناژها، بلکه در ادامه برخی از قسمتهای سوژه نمایشنامه مشهود است
 مثلاً «عروسی کریچینسکی» بدین نحو پایان میرسد: مأمور پلیس برای مجازات
 بازاها و کلاه برداران حضور مییابد ولی در نمایشنامه «پرونده» این مأمور مظهر
 معرفی میشود زیرا گزارش او درباره ولیدیا علت بروز فاجعه‌ای برای خانواده مورد مسکی
 گردید. در نمایشنامه «پرونده» سیمای ولیدیا که نسبت به توهمات طبقاتی بی‌ا
 و از جلای ظاهری این طبقه مایوس و فساد آن را درک نموده نقش مهمی را احر
 میکند. استعداد تحمل غم ورنج ولیدیا را در مقامی بالاتر از افرادی که او را اح
 نموده‌اند، قرار میدهد.

۱ - قهرمان رمان ساتیکوف شدرین موسوم به خانواده گالاولیوف که بقارم
 تحت عنوان میراث شوم ترجمه شده است.

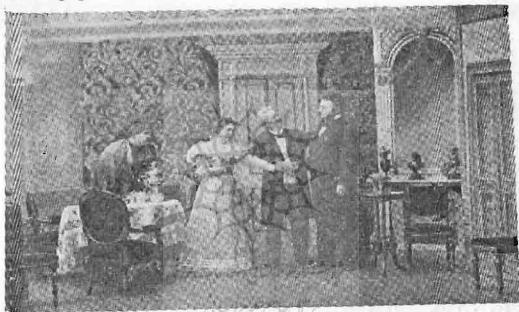
سوخوو - کابیلین برای نمایشنامه «مرگ تارلکین» ۱۱ سال (بطور متناوب) کار کرد. نویسنده این نمایشنامه را بهترین اثر خود میدانست. نویسنده در سال ۱۸۹۲ هنگامیکه سعی میکرد این نمایشنامه را روی صحنه آورد چنین نوشته بود: «من طبق دستور اداره سانسور آن را تغییر دادم و تصحیح کردم و پایان جدیدی برای آن نوشتم ولی هیچ چیز سانسور را قانع نکرد.» ده سال بعد، در سال ۱۸۹۲ سوخوو - کابیلین مجدداً نوشته بود که «نمایشنامه را تغییر دادم تا آن قسمتهائی را که موجب خشم اداره سانسور گردیده حذف نمایم». او حتی عنوان نمایشنامه را نیز تغییر داد و آن را «روزهای خوش راسپلیوف» نامید. صحنه‌های شکنجه و خطابه اختتامیه آن را نیز حذف نمود. ولی با اینحال اداره سانسور نمایش آنرا ممنوع کرد. سوخوو - کابیلین با استفاده جسورانه از مبالغه و طنز و شیوه‌های کمدی ضربت اساسی را علیه پلیس که تکیه‌گاه دار و دسته کارمندان فامد و رشوه خوار بود متوجه نمود و جنبه‌های کمدی و طنز آمیز به نویسنده کمک کرد تا واقعیت زندگی را تجسم بخشد. واقعیتی که بصورت حاد و مضحکی مجسم شده نیروی بیشتری کسب میکند. نویسنده



صحنه‌ای از نمایشنامه «پرونده»

به شیوه گوگول مرگ واهی تارلکین را مجسم میسازد که میباید او را از دست طلبکاران نجات داده و ثروتمندش کند. زندگی بصورتی درآمده است که کاغذها و اسناد دارای اهمیت می‌باشند نه خود انسان‌ها. در محیطی که تارلکین زندگی می‌کند مدتهای مدیدی است که موازین اخلاقی از دست رفته است. قوانین

غیر انسانی در این محیط حکومت می‌کند. تارلکین باسرت نام‌هایی که و این
 دارسوا و مفتضح می‌سازد به کاپلوف مشاور مخصوص که بتازگی فوت نموده‌ال
 می‌گردد. در مبارزه حاد و بیرحمانه و اراوین و تارلکین، اولی پیروز می‌گردد و او تب
 زیادی در قلب و جنایت دارد. نویسنده بوسیله این دسیسه ماهیت وحشت‌ناک و
 جنایتکارانه دستگاه پلیس استبدادی تزاری را برملا می‌سازد. راسپلیویف در پاره
 تارلکین بعنوان باز پرس عرض وجود میکند. راسپلیویف که خود را در سمت بان
 در محیط مورد علاقه‌اش احساس می‌کند با تمسخر و طعنه نیش‌داری بوسیله نوه
 مجسم شده است: او «حیوان درنده را بدام می‌اندازد، دست‌بندها و پابندها را
 در پاره آورد به دشمنان دستور می‌دهد، از نفوذ و صلاحیت پزشکی استفاده می‌کند
 دکتر اونمیوگ لیخگیگت (کلمه آلمانی است بمعنای «غیر ممکن» و در اینجا بجا
 اسم شخص بکار برده شده است) را وادار می‌کند انسانی بودن باز پرس را
 نماید. سوخووکا یلین اولین نویسنده‌ای است در ادبیات روس که منظره باز پرس
 بوسیله پلیس را «با اعمال شکنجه» در روی صحنه نشان داد. مناظر حزن‌انگیز و



صحنه‌ای از نمایشنامه «عروسی کریمپسکی»

نویسنده در نمایشنامه «مرگ تارلکین» ترسیم نموده ناشی از واقعیت غم‌انگیز روس
 استبدادی بوده‌است. و اراوین‌ها و راسپلیویف‌ها غرق در سعادت و خوشی در
 بسر می‌برند. و گرچه اعمال دارودسته راسپلیویف فقط در لباس که‌دی و تمسخر شدید
 وصف شده است. مع الوصف نمایشنامه دارای جنبه انقلابی بوده است. و البته
 وزیر تزاری این نمایشنامه را «سراپا انقلاب» نامید.

سوخوو-کایلین سه نمايشنامه مختلف از لحاظ سبک يعنى کمدى اجتماعى روسى کريچينسکى)، درام انتقادى («پرونده») و کمدى انتقادى («مرگ لکين») را بوسيله يك اندیشه بيکديگر پيوسته است. مفهوم اساسى تریلوژى را آن بطور اختصار بدین نحو بیان نمود: در دورانى که انبوه کارمندان، حکومت کنند زندگى به يك تراژدى نفرت انگيزى بدل شده بود اداره سانسور ميكوشيد اندیشه را محو سازد. سيمای قهرمانان اساسى در تریلوژى در حال تحرک ترسيم شده است. کريچينسکى تغيير ميکند، موازين اخلاقى مورومسکى تقويت مى گردد، يا از لحاظ روحى و فکرى رشد ميکند و نيرومندتر مى گردد، راسپليويف و تارلکين را وين پيش از پيش در منجلاب فساد سقوط مى کنند. سوخوو-کایلین که در جوانى تارگوگول علاقمند بود سنن هجائى او را بطور خلاقه اى مورد استفاده قرار دهد. دهم آميزى تباينات و مبالغه طنز آميز در تجسم تماثلها و نامهاى خانوادگى تائى پرسوناژها و عناصر کميک از گوگول اقتباس گرديده. سوخوو-کایلین از لحاظ بوه هجائى خود به شدت نيز نزديک است. علاقه و تمايل به فولکلور-از جنبه هاى اساسى تریلوژى سوخوو-کایلین بشمار ميرود. گفتارهاى بارزو پراستعاره نيز از خصوصيات اساسى تمام قسمتهاى تریلوژى سوخوو-کایلین محسوب مى شود. پيسته وسايل بارز و رنگارنگى براى توصيف خصوصيات هريك از پرسوناژها معلق اجتماعى و جنبه روانى و ميزان رشد معنوى آنها انتخاب نموده است. لحن تنگوى و اروين فوق العاده تعجب انگيز است: او گاهى اوقات متقاضى را با ملات بى معنا و بکار انداختن اصطلاحات حرفه اى قضائى گيج و مبهوت ميکند و به چرب زبانى رباکارانه و سالوسانه ميپردازد. ضرب المثلها، امثال و حکم جناسها و کلمات قصار و بازى با الفاظ بطور ماهرانه اى مورد استفاده قرار گرفته اند. گوگرکى و آ. و. لوناچارسکى و و. اى. نيمروويچ - دانچنکو و سايرين ارزش رگى براى نمايشنامه هاى سوخوو-کایلین قائل بودند. لوناچارسکى به نمايشنامه پيسه هاى شوروى ميگفت: «درسهائى را که آستروفسکى و سوخوو-کایلین ميدهند نبايد ديده گرفت.» سوخوو - کایلین ضمن ادانه بهترين سنن گوگول و آستروفسکى و التيكف شدرين نمونه درخشانى از نمايشنامه نويسى هجائى طنز آميز و افح نانه اى بوجود آورد. تریلوژى سوخوو-کایلین نيروى هنرى هجائى خود را در زمان نيز حفظ نموده است.

ترجمه پرويز نصيرى